



خصوصی سازی



ما اینک در انقلاب اطلاعات که جهان را کوچکتر می کند، قسرا گرفته ایم و ما دیگر نمی توانیم خود را منزوی کنیم، اینک جهانی شدن را پیش روی داریم، آن هم جهانی بدون مرز، پس اگر مرزی نداریم چیزی هم پنهان نداریم. به عبارت دیگر، حریم خصوصی مفهومی ندارد. باید آگاه باشیم و بدانیم که طراحان جهانی شدن به شدت در حال آماده کردن خود برای سوءاستفاده از بازارهای جهان بدون مرز هستند. آنان پولهای خود را روی هم گذاشته اند به طوری که حتی قادرند کشورها را نیز بخرند. زندگی ما از جنبه های گوناگون مورد تاخت و تاز قسرا می گیرد و حسنی تفکرات ما اشغال خواهد شد.

ما وظیفه داریم با برنامه ریزیهای کلان اطمینان حاصل کنیم روند جهانی شدن آسیب کمتری به ما وارد کند. ما باید روند جهانی شدن را درک کنیم و خود را آماده گریز از خطرهای سازیم و از شرایط جدید برای رسیدن به فناوری و توان صنعتی بهره برداری کنیم. دوران گذار از جهان کهن (اقتصاد غیر رقابتی) به جهان جدید (اقتصاد رقابتی) را بایستی امرانه تحمل کنیم، تعارض تجدد و سنت، بحران هویت، طلاق،

بسکاری، تورم، نابرابری، قتل و جنایت، خودکشی و تاریک بسودن آینده برخی از معضلاتی هستند که در دوران گذار به صورت بحرانی اجتماعی واجتناب ناپذیر ظهور می کنند. اختلاس، رشوه خواری، رانت جوئی و رانت خواری از اشکال مختلف فساد خواهند بود و انحصار قدرت و عدم پاسخگو بودن بستر مناسب آن رانیز فراهم خواهد کرد، ولی به تدریج با وجود مطبوعات و رسانه های اطلاعاتی آزاد و حفظ ساختارهای مناسب می توان فساد را کاهش داد.

توسعه به دو معنا تفسیر می شود:

- توسعه به عنوان یک فرایند (میزان تغییر)
- توسعه به عنوان یک سطح.

وقتی توسعه به معنای تغییر است مراد میزان رشد اقتصادی است و رشد اقتصادی مبین رشد تولید (تولید ناخالص ملی یا تولید ناخالص داخلی) است، ولی وقتی توسعه به معنای سطح به کار می رود مراد وضعیت رفاه اقتصادی، اجتماعی است که آن نیز مبین کیفیت زندگی انسانها (امید به زندگی، مرگ و میر کودکان، سطح سواد عمومی) است. برای مثال کشور کره جنوبی نمونه ای موفق از یک دولت توسعه گرا است.

در بحث خصوصی سازی باید به گونه ای عمل کنیم که تعداد کمی از شرکتهای چهار ور شکستگی شوند. خصوصی سازی به مفهوم انتقال مالکیت از بخش دولتی به بخش خصوصی بایستی مدنظر قرار گیرد و تمام ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی نیز به تناسب آن دستخوش تغییرات شوند. در افکار عمومی کشور ما دیدگاه ضد سرمایه وجود دارد و از آن قوی تر و خشن تر دیدگاهی است که در مورد سرمایه گذاری خارجی وجود دارد. با ادامه این تفکر ما برای توسعه اصلاحات و حتی عضویت در سازمان تجارت جهانی نه تنها مشکل اقتصادی داریم بلکه مشکل فرهنگی نیز خواهیم داشت.

با تعدد مراکز تصمیم گیری نمی توان خصوصی سازی انجام داد. باید قوانین را به گونه ای اصلاح کنیم که اگر شرکت بخواهد اصلاح ساختار نیروی انسانی انجام دهد مانعی نداشته باشد. از یک طرف دیگر بگوئیم خصوصی سازی و از طرفی دیگر از نیروهای مازاد طرفداری کنیم، این طوری

خصوصی سازی جواب نمی دهد. حرکت جدی به سمت آزادسازی اقتصاد باعث می شود که ۸۰ درصد مدیران فعلی و دولتی از رده خارج شوند و تجزیه ای در سطوح مدیریت صورت گیرد، بسیاری از این مدیران توان ماندن در شرایط رقابتی را ندارند و دولت هم نباید اصراری در این زمینه داشته باشد، زیرا آثار منفی زیادی را به همراه خواهد داشت. به نظر می رسد که اگر بخواهیم با سیستم دولتی در رقابتی شدن وارد شویم مزیت چندانی نخواهیم داشت، پس باید واگذاری شرکتهای دولتی را انجام دهیم و آن هم با حداقل قیمت نه به قیمت کارشناسی.

آلمان شرقی وقتی که در آلمان غربی ادغام شد، خصوصی سازی را این گونه انجام داد که کلیه کارخانجات خود را به قیمت یک دلار به بخش خصوصی واگذار کرد.

تبادل و توازن در اقتصاد بین الملل، تقسیم بین المللی کار را اجتناب ناپذیر کرده است. این که می بینید صنایع نساجی ما در شرف نابودی و از بین رفتن است و در عوض صنایع نساجی ترکیه در حال رشد است، این موضوع در ارتباط مستقیم با تقسیم بین المللی کار است، زیرا داشتن خط تولید از ابتدا تا انتها در منظومه تجارت بین الملل در حال حذف شدن است.

خودکفا شدن یعنی انحصار! اینکه ما خودمان خودرو ملی داشته باشیم، یک تفکر موج دومی است و آینده ای هم ندارد، زیرا استراتژی صنایع خودرو در مورد اینکه همه قطعات را خودمان بسازیم با تقسیم بین المللی کار سازگاری ندارد!

خصوصی سازی یک سبب زیرساخت هایی دارد که ما باید آن را درک کنیم و بپذیریم. اگر ایران بخواهد خود را با تقسیم بین المللی کار هماهنگ سازد باید دست به توسعه صنایع پتروشیمی بزند، اما باید تقسیم بین المللی منطقه ای کار را نیز بپذیرد. مسزیت های نسبی در چهارچوب تقسیم بین المللی کار معنا و مفهوم پیدای می کند، به عبارت دیگر تقسیم بین المللی کار به هیچ کشوری اجازه نمی دهد که در یک خط تولید از ابتدا تا انتها فعال باشد. به نظر می رسد به علت بالا بودن بیش از حد نرخ دلار الگوهای روسی و چینی خصوصی سازی در ایران قابل اجرا نباشد.

بالا بودن بیش از واقعی نرخ دلار در ایران

جبران ناپذیری را متحمل خواهد شد. لذا معمولاً کشورهایی که انضباط پولی نداشته اند وقتی که به مرحله ای می رسند که بیم آن است که اقتصاد از کنترل خارج شود، واحد پول خود را عوض می کنند، تاکنون ۵۸ کشور جهان را واحد پول خود را برای غلبه کردن بر بی انضباطی پولی عوض کرده اند. به عبارت دیگر، تغییر واحد پول یعنی آتش زدن پول مازاد (نقدینگی بازار). به نظرمی رسد اگر اصلاحات اقتصادی به روش شوک درمانی انجام شود بیشترین فشار به دولت و نهادهای دولتی وارد می شود و به عبارت دیگر مردم (افشار کم درآمد و آسیب پذیر) کمترین فشار را متحمل می شوند، در غیر این صورت بیشترین فشار به طبقات دو و سه جامعه وارد می شود و بسیم عکس العمل مردم در مقابل فرایند اصلاحات وجود دارد. □

• ابراهیم رئیسی سرکنندیز: دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری

• واردات کالا به صورت تدریجی آزاد شود. اگر موارد فوق به طور همزمان اتفاق بیفتند و همزمان یارانه انرژی نیز حذف گردد، قسمت عمده نقدینگی جامعه حذف بخش انرژی می شود و قیمت دلار سقوط می کند، در این حالت بایستی حدود ۸۰ درصد کارخانجات و موسسات دولتی ظرف سه سال به بخش خصوصی واگذار شوند و درآمدهای ناشی از آزادسازی نرخ انرژی باید صرف مواردی همچون بیمه بیکاری، احیا صنعت و نظایر آن گردد و نباید از محل آن چیزی برای بوروکراسی دولتی خرج کرد، زیرا بوروکراسی دولتی باید هزینه های خود را کاهش دهد و با فعالیتهای عمرانی را در کوتاه مدت متوقف سازد.

انبسوه درآمدهای نفتی (مازاد درآمدهای ارزی حاصل از بخش نفت) به دولت این امکان را داده است که بتواند تورم را تا حدودی مهار کند، حال اگر مازاد نقدینگی جامعه در بخشهای (کشاورزی، صنعت، تولید و...) به طور مناسب سرمایه گذاری نشود، اقتصاد ملی مدمات

بسیاری از شرکتهای ناکارآمد و صنایع ناکارآمد را سرپا نگه داشته است و به آنان مزیت نسبی داده است که تعیین قیمت دلار توسط بازار به حذف صنایع و شرکتهای ناکارآمد در ایران می انجامد. آمار بانک جهانی نشان می دهد که در ۷۰ درصد از کشورهای موفق، آزادسازی اقتصاد فقط منجر به افزایش ۳۰ درصد واردات شده است، آزادسازی اقتصاد باعث می شود که در داخل کشور رقابت بسیم شرکتهای تولیدکنندگان شدید، واقعی و حداکثر شود، لذا در این شرایط هر شرکتی که سود بدهد ما در آن شرکت مزیت نسبی داریم. به عبارت دیگر هر شرکتی ارزان تر از بازار جهانی کالا تولید کند ما در آن مزیت نسبی داریم. غیر واقعی بودن نرخ دلار و یارانه های انرژی سبب شده است که در ایران مزیت های کاذب به وجود آید ولی برای اینکه بتوانیم خصوصی سازی موفق داشته باشیم باید:

• یارانه انرژی حذف شود؛

• ارزش تک نرخ شود؛

• رشد نقدینگی محدود و کنترل گردد؛

مجله علمی پژوهشی
پژوهش‌های علمی و پژوهشی در زمینه‌های
علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اگر ...

اگر!